



محمد اسماعیل نوری

حوادث متعددی وجود دارد؛ ولی تنها رحلت جانگداز خاتم انبیا محمد مصطفی ﷺ مرتبط با آیات قرآن است. آن حضرت دوشنبه ۲۸ ماه صفر سال دهم هجری، در سن ۶۳ سالگی دار فانی را وداع گفت و امت اسلام را در غم خود داغدار کرد.

در پنج سوره از سوره‌های قرآن، سخن از رحلت پیامبر ﷺ به میان آمده است که از میان آنها سه سوره «انبیاء»، «زمر» و «طور» در مکه و دو سوره «آل عمران» و «نصر» در مدینه

بررسی آیات قرآن کریم از زوایای مختلف و با روشهای متفاوت، سبب آشنایی هر چه بیش‌تر ما با این کتاب مبین می‌شود. از اینرو قصد داریم با استعانت از خداوند متعال، در هر ماه قمری، طی سلسله مقالاتی، بعضی حوادث و رخدادهای آن ماه را در نظر گرفته و آیات مربوط به هر یک از آن وقایع را به صورت مختصر و با توجه به تفاسیر موجود، بیان کنیم.

**رحلت پیامبر اسلام ﷺ**  
اگر چه در تقویم ماه صفر،

نازل شده‌اند.

در این مقاله، آیات مذکور، در سه بخش به طور اختصار مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف. سه سوره مکی؛ ب. سوره آل عمران؛ ج. سوره نصر و رحلت پیامبر اسلام ﷺ.

### الف. سه سوره مکی

مشرکان مکه برای جلوگیری از پیشرفت اسلام، اقدامات گوناگونی انجام می‌دادند؛ حتی گاهی نسبتهایی از قبیل ساحر و جادوگر، مجنون، کاهن و شاعر به پیامبر ﷺ می‌دادند. وقتی نتوانستند با این نسبتهای ناروا جلوی تبلیغ پیامبر ﷺ را بگیرند، ناچار شدند خودشان را این‌گونه تسلی بدهند که منتظر مرگ او می‌شویم و با مرگش همه چیز تمام می‌شود؛ هم ما راحت می‌شویم، هم بت‌هایمان از طعنه‌های او نجات می‌یابند.<sup>۱</sup>

همچنان‌که قرآن کریم در سوره طور به این موضوع اشاره کرده، می‌فرماید: ﴿فَذَكَرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ \* أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ تَتَّبِعُونَ بِهِ رِيبَ الْمُنُونِ \* قُلْ تَرَبُّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ﴾؛<sup>۲</sup> «پس تذکر ده، که به لطف پروردگارت تو کاهن و مجنون نیستی؛ بلکه آنها می‌گویند: او شاعری است که ما انتظار مرگش را می‌کشیم! بگو: انتظار بکشید که من هم با شما انتظار می‌کشم (شما انتظار مرگ مرا، و من انتظار نابودی شما را با عذاب الهی)!»

و در سوره انبیاء ضمن ردّ انتظار مشرکان، قانون کلی آفرینش را بیان

عبدالحسین طیب، تهران، کتابخانه اسلام، ج ۹، ص ۱۷۲، و حجت التفاسیر، سید عبدالحجّة بلاغی، چاپخانه حکمت، قم، ج ۶، ص ۵۰، و التفسیر الحدیث، محمد عزّه دروزه، قاهره، دار الغرب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ قمری، ج ۴، ص ۳۲۳ و ۳۲۴.

۲. طور / ۲۹ - ۳۱.

۱. ر.ک: اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید

فرموده است: ﴿وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ﴾ \* كَلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَتَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ<sup>۱</sup>؛ «پیش از تو [نیز] برای هیچ انسانی جاودانگی قرار ندادیم [وانگهی آنها که انتظار مرگ تو را می‌کشند] آیا اگر تو بمیری، آنان جاوید خواهند بود؟! هر انسانی طعم مرگ را می‌چشد و شما را با بدیها و خوبیها آزمایش می‌کنیم؛ و سرانجام به سوی ما بازگردانده می‌شوید.»

خداوند در جواب کافران که می‌گفتند: ﴿تَتَرَبَّصُّ بِهٖ رَبِّبَ الْمُنُونِ﴾<sup>۲</sup> فرمود: ﴿وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ﴾؛ «ما برای هیچ بشری قبل از تو زندگی جاویدان قرار ندادیم.» تا اینکه کافران تنها منتظر مرگ تو باشند؛ بلکه آنها هم می‌میرند ﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ﴾<sup>۳</sup>؛ «تو می‌میری و آنها نیز

۱. انبیاء / ۳۴ و ۳۵.

۲. طور / ۳۰، «انتظار مرگ او را می‌کشیم.»

۳. زمر / ۳۰.

خواهند مرد.» همه می‌میرند و مرگ مخصوص به تو نیست تا اینکه آنها از مرگ تو خوشحال شوند.

ای دوست بر جنازه دشمن چو بگذری شادی مکن که بر تو همین ماجرا رود<sup>۴</sup> در جمله ﴿أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ﴾؛ استفهام انکاری وجود دارد و به تعبیر علامه طباطبایی، فایده آن در این جمله، «قصر قلب»<sup>۵</sup> است؛ یعنی آن کس که می‌گوید ﴿تَتَرَبَّصُّ بِهٖ رَبِّبَ

۴. المیزان، علامه طباطبایی، بیروت، مؤسسه اعلمی، چاپ دوم، ۱۳۹۲ قمری، ج ۱۴، ص ۲۸۴.

۵. قصر قلب، اصطلاح ادبی است که در علم معانی به کار می‌رود و به معنای واژگون کردن و برعکس ساختن است. این تعبیر هنگامی به کار می‌آید که مخاطب، به عکس حکمی که شما اثبات کرده‌اید، باور داشته باشد. مثل: «ما مسافر الا علی» این مثال در رد کسی گفته می‌شود که گمان می‌کند: خلیل مسافر است، نه علی و شما با این کلام، اعتقاد او را واژگون و برعکس، می‌سازید. (جوهر البلاغه، احمد هاشمی، ترجمه حسن عرفان، قم: نشر بلاغت، چاپ یازدهم، ۱۳۸۸ شمسی، ص ۳۳۵ و ۳۳۶).

تزلزل عجیبی ایجاد کرد، جمعی هراسان شده، از میدان جنگ خارج می شدند؛ حتی بعضی در این فکر بودند که با کشته شدن پیامبر از آئین اسلام برگردند و از سران مشرکان امان بخواهند؛ اما در مقابل آنها اقلیتی فداکار و پایدار استقامت کردند.

به زودی روشن شد که پیامبر ﷺ زنده است و این خبر اشتباه یا دروغ بوده، در این مورد آیه زیر نازل شد و دسته اول را سخت نکوهش کرد: <sup>۳</sup> ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾<sup>۴</sup>

۳. رک: مجمع البیان، امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، بیروت، مؤسسة اعلمی، چاپ دوم، ۱۴۲۵ قمری، ج ۲، ص ۴۰۳ - ۴۰۶؛ تفسیر نمونه، مکارم شیرازی و همکاران، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سی و پنجم، ۱۳۸۳ شمسی، ج ۳، ص ۱۳۶ و ۱۳۷.  
۴. آل عمران / ۱۴۴.

الْمُنُونِ﴾ خیال می کند که مرگ فقط مخصوص توست، و اگر تو بمیری او با خیال راحت زندگی جاویدانه خواهد داشت؛ در حالی که چنین نیست و همه می میرند ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾<sup>۱</sup> و این دنیا خانه گرفتاری و امتحان است و پایان آن مرگ و رجوع به پیشگاه پروردگار و دیدن جزای اعمال و گرفتن نتیجه امتحان.<sup>۲</sup>

#### ب. آل عمران و آیات مربوط به جنگ

##### احد

وقتی در جنگ احد، پیامبر اسلام مجروح شد؛ و حتی پیشانی و دندان آن حضرت شکست، «مصعب بن عمیر» که شباهت زیادی به پیامبر ﷺ داشت به شهادت رسید، دشمنان خیال کردند که خود پیامبر کشته شده است و این خبر را با صدای بلند اعلام کردند.

انتشار این خبر، در میان مسلمانان

۱. آل عمران / ۱۸۵ و انبیاء / ۳۵.

۲. المیزان، ج ۱۴، صص ۲۸۴ - ۲۸۵.

«محمد ﷺ فقط فرستاده خداست و پیش از او فرستادگان دیگری نیز بودند. آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی‌گردید [و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت و کفر بازگشت خواهید نمود]؟! و هر کس به عقب بازگردد، هرگز به خدا ضرر نمی‌زند، و خداوند به زودی شاکران [و استقامت‌کنندگان] را پاداش خواهد داد.»

#### اصناف مردم در آزمون جنگ احد

در جنگ احد، سپاه اسلام چند گروه شدند که به سه طایفه از آنها اشاره می‌شود:

۱. منافقانی که کفر باطنی آنها ظهور کرد: «وَ طَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ؛<sup>۱</sup>» «گروهی در فکر جان خویش بودند؛ آنها گمانهای نادرستی - همچون گمانهای دوران جاهلیت - درباره خدا

داشتند.» اینان تنها به فکر خود حیوانی بودند؛ زیرا خود انسانی را فراموش کرده بودند: «سُوا اللّٰهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ»<sup>۲</sup> «خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد.»

۲. مسلمانانی که ضعف ایمانشان آشکار شد. این گروه که بر اثر همراهی با پیامبر گرامی ﷺ رابطه خود را با سران شرک، مانند ابو سفیان تیره کرده بودند، تأسّف می‌خوردند. خدای سبحان درباره اینان که به سبب ضعف ایمان از میدان جنگ گریخته بودند، می‌فرماید: «إِذْ تَضَعِدُونَ وَلَا تَلُؤُونَ عَلَىٰ أَحَدٍ وَ الرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أَخْرَاكُمْ فَأَنَابَكُمْ عَمَّا بَعَمَّ لِكَيْلًا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»<sup>۳</sup> «به خاطر بیاورید هنگامی را که از کوه بالا می‌رفتید؛ و [جمعی

۲. حشر / ۱۹.

۳. آل عمران / ۱۵۳.

۱. آل عمران / ۱۵۴.

در وسط بیابان پراکنده شده و از شدت وحشت [به عقب ماندگان نگاه نمی کردید و پیامبر از پشت سر، شما را صدا می زد. سپس اندوهها را یکی پس از دیگری به شما جزا داد. این به خاطر آن بود که دیگر برای از دست رفتن [غنائم جنگی] غمگین نشوید، و نه به خاطر مصیبتهایی که بر شما وارد می گردد. و خداوند از آنچه انجام می دهید، آگاه است.»

۳. مسلمانان ثابت قدمی که برای رضای خدا جنگیدند و تا پایان آن استقامت ورزیدند. شمار این گروه که امیر مؤمنان علیه السلام در میان آنان می درخشید، بسیار اندک بود و خداوند درباره آن فرمود: «وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ»<sup>۱</sup> به زودی خداوند پاداش انسانهای شاکر را می دهد.» یکی از این مسلمانان ثابت قدم و

فداکار «انس بن نضر» - عموی انس بن مالک - بود. وقتی او متوجه شد که «عمر بن خطاب» و «طلحة بن عبید الله» با تعدادی از مهاجرین و انصار دست از جنگ کشیده و دست روی دست گذاشته اند پرسید: چرا دست از جنگ کشیده اید؟ گفتند: رسول خدا صلی الله علیه و آله کشته شده است! گفت: بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، شما می خواهید زندگی کنید؟ پس بهتر آن است که شما هم در همان راهی که او کشته شد، کشته شوید! سپس به دشمن حمله کرد و مردانه جنگید تا به شهادت رسید.<sup>۲</sup>

#### فنا و زوال ناپذیری نبوت

پاسخ شبهه منافقان (که می گفتند: اگر او پیامبر بود، کشته نمی شد) این است که پیامبر صلی الله علیه و آله نیز هم شخصیتی حقیقی دارد و هم شخصیتی حقوقی. از جهت شخصیت حقیقی، مانند

۱. تسنیم تفسیر قرآن کریم، جوادی آملی، قم، مرکز اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۷ شمسی، ج ۱۵، ص ۶۶۸ - ۶۶۹.

۲. المیزان، ج ۴، ص ۳۷، به نقل از سیره ابن هشام.

دیگران است که قانون طبیعت بر ایشان جاری است: «يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ»<sup>۱</sup> «غذا می خورد و در بازارها راه می رود.» و سرانجام نیز رحلت می فرمایند؛ اما شخصیت حقوقی آن حضرت که با عنوان «رسالت و نبوت» معروف است، هرگز نمی میرد و از آسیب و زوال محفوظ است، همان گونه که اصل مکتب و خطوط کلی رسالت انبیای پیشین علیهم السلام نزد موحدان و مؤمنان به وحی و نبوت محفوظ است و دین هیچ پیامبری با ارتحال وی از بین نرفته و تنها فروع آن با آمدن پیامبر جدید و آوردن شرعه و منهج تازه متحول شده است.<sup>۲</sup>

درسی را که این آیه درباره مبارزه با فردگرایی می دهد، درسی برای همه مسلمانان در همه قرون و اعصار

است. مسلمانان باید از قرآن بیاموزند که مسائل هدفدار هرگز نباید قائم به شخص یا اشخاص باشد؛ بلکه باید بر محور سلسله اصول و تشکیلات ثابتی دور بزند که با تغییر افراد یا مرگ آنان - حتی اگر پیامبر بزرگ خدا صلی الله علیه و آله باشد - آن کار تعطیل نگردد. اصولاً رمز بقای یک مذهب و یا تشکیلات همین است؛ بنابراین برنامه ها و تشکیلاتی که قائم به شخص هستند ناسالم و غیرطبیعی بوده، به زودی متلاشی خواهند شد.<sup>۳</sup>

خلاصه آنکه زوال حیات ظاهری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در زوال دین سهمی ندارد و دین حق با موت پیام آور آن و نیز با هیچ رخداد تلخ دیگری زوال نمی پذیرد و آسیب نمی بیند؛ زیرا حق از زوال مصون است. همچنان که مولوی به این حقیقت اشاره کرده است:

۱. فرقان/۷.

۲. تسنیم تفسیر قرآن کریم، ج ۱۵، ص ۶۵۸ و ۶۶۳.

۳. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۳۹.

مصطفی را وعده داد الطاف حق  
 گر بمیری تو نمیرد این سبق  
 من تو را اندر دو عالم رافع  
 طاغیان را از حدیث رافع  
 رونقت را روز روز افزون کنم  
 نام تو بر زر و بر نقره زخم  
 منبر و محراب سازم بهر تو  
 در محبت قهر من شد قهر تو  
 تا قیامت باقیش داریم ما  
 تو ترس از ترس دین ای مصطفی  
 هست قرآن تو را همچون عصا  
 کفرها را در کشید چون ازدها  
 تو اگر در زیر خاکی خفته‌ای  
 چون عصایش دان تو آنچه گفته‌ای  
 گرچه باشی خفته تو در زیر خاک  
 چون عصا آگه بود آن گفت پاک<sup>۱</sup>  
**ج. سوره نصر و رحلت پیامبر**  
 اسلام ﷺ

در سوره «نصر» - به قرینه حدیث  
 مربوط به آن - اشاره‌ای به رحلت  
 پیامبر خاتم ﷺ شده است؛ چون یکی  
 از نامهای آن، سوره «تودیع» (خدا

حافظی) است؛ چرا که در آن به‌طور  
 ضمنی از رحلت پیامبر ﷺ خبر داده  
 شده است.

طبرسی از مقاتل نقل کرده است:  
 «هنگامی که این سوره نازل شد و  
 پیغمبر اکرم ﷺ آن را بر یاران خود  
 تلاوت کرد، همگی خوشحال و  
 خوش دل شدند؛ ولی وقتی «عباس»  
 عموی پیامبر آن را شنید، گریه کرد.  
 پیغمبر ﷺ فرمود: ای عمو! چرا گریه  
 می‌کنی؟

عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ!  
 گمان می‌کنم خبر رحلت شما در این  
 سوره داده شده است! حضرت فرمود:  
 مطلب همان‌گونه است که تو  
 می‌گویی. و پس از آن پیامبر دو سال  
 زندگی کرد؛ ولی کسی او را  
 خوشحال و خندان ندید.<sup>۲</sup>

۱. مولوی.

۲. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۶۷ و جوامع





در اینکه از کجای این سوره چنین مطلبی استفاده می‌شود، در حدیث چیزی نیامده است و مفسران قرآن نیز نظریه‌های مختلفی داده‌اند.

ظاهر آیات سوره نیز بشارت از فتح و پیروزی است؛ چون می‌فرماید:

۱. «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ»؛

«هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرا رسد.»

۲. «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ

اللَّهِ أَفْوَاجاً»؛ «و ببینی مردم گروه گروه وارد دین خدا می‌شوند.»

۳. «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ

كَانَ تَوَّاباً»؛ «[به شکرانه این نعمت بزرگ] پروردگارت را تسبیح و حمد کن و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه‌پذیر است.»

در ظاهر آیات این سوره اشاره‌ای

به رحلت پیامبر ﷺ نشده است؛ اما اینکه عباس، این مفهوم را از کجای سوره فهمید که مورد تأیید پیامبر ﷺ هم قرار گرفت.

مرحوم طبرسی، دو احتمال نقل کرده است:

۱. «از دیدگاه برخی، مفهوم آیه

«فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ

تَوَّاباً» این است که: ای پیامبر! اینک

به ستایش پروردگارت نیایشگر باش

و از او آمرزش بخواه؛ چرا که تو به

زودی به دیدار حق خواهی شتافت و

همان‌سان که همه پیامبران جهان را

بدرود گفتند، تو نیز بدرود خواهی

گفت.

افزون بر این، مثال مشهوری است

که: «عِنْدَ الْكَمَالِ يَرْقُبُ الزَّوَالَ؛ با رسیدن

به اوج کمال باید در انتظار زوال بود.»

شاعر در این مورد گفته است:

إِذَا تَمَّ أَمْرٌ بَدَأَ نَقْصُهُ

تَوَفَّقَ زَوَالًا إِذَا قِيلَ تَمَّ

الجامع، طبرسی، بیروت، دار الاضواء، چاپ اول، ۱۴۰۵ قمری، ج ۲، ص ۸۹۸ و المیزان، ج ۲۰، ص ۵۳۲.

«هنگامی که کاری به پایان رسید، کاستی آن آشکار می‌گردد، و آنگاه که گفته شد کار تمام است، در انتظار زوال آن باش.»

۲. گروهی گفته‌اند: خدای سبحان، در این سوره، پیامبر را به تجدید عهد توحیدی با خدا و طلب آمرزش فرمان داده است و عمل به این فرمانها، آخرین تلاش یک بنده با اخلاص در آستانه کوچ از این سرای فانی به عالم باقی می‌باشد.<sup>۱</sup>

علامه طباطبایی احتمال زوال را نقل کرده است.<sup>۲</sup> مراغی نیز می‌گوید: «پیامبر ﷺ از این سوره فهمید که کار تمام شده و وظیفه‌ای باقی نمانده جز اینکه باید به رفیق اعلیٰ پیوندد.»<sup>۳</sup>

در تفسیر نمونه آمده است:

«این مفهوم (پایان عمر پیامبر)

ظاهراً از اینجا استفاده شده که این سوره دلیل بر آن است که رسالت پیامبر ﷺ به پایان رسیده، و آیین او کاملاً تثبیت شده است. و معلوم است در چنین حالتی، انتظار رحلت از سرای فانی به جهانی باقی، کاملاً قابل پیش‌بینی است.»<sup>۴</sup> البته این نظریه نیز با همان احتمال اول منقول از «مجمع البیان» و «المیزان» و سخن مراغی سازگار است.

و اما اینکه منظور از فتح و پیروزی بزرگی که در این سوره بشارت آن داده شده، کدام است؟ باید گفت: «فتح مکه» است؛ گرچه در اسلام فتوحات زیادی رخ داد؛ ولی فتحی که با مشخصات فوق تطبیق کند، تنها فتح مکه می‌باشد که بنیان شرک را از «جزیره العرب» ریشه‌کن کرد.<sup>۵</sup>

۱. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۶۷.

۲. المیزان، ج ۲۰، ص ۵۳۲.

۳. تفسیر مراغی، احمد مصطفی مراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۲۶۰.

۴. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۹۵.

۵. المیزان، ج ۲۰، صص ۵۳۰ - ۵۳۱.

سه دستور مهم بعد از پیروزی در آخرین آیه این سوره، سه دستور مهم به پیغمبر اکرم ﷺ - و طبعاً به همه مؤمنان - می‌دهد که در حقیقت شکرانه‌ای برای این پیروزی بزرگ، و واکنش مناسبی در برابر این نصرت الهی است: دستور به «تسیح» و «حمد» و «استغفار».

«تسیح» به معنی منزه شمردن خداوند از هرگونه عیب و نقص است، و «حمد» برای توصیف او به صفات کمالیه و «استغفار» در برابر نقصانها و تقصیرهای بندگان از خدا. این پیروزی بزرگ سبب شد که افکار شرک‌آلود زدوده شود، کمال و جمال خداوند ظاهرتر گردد، و گم‌کرده راهان به سوی حق باز گردند.

همچنین سبب شد که افراد گمان‌کنند خداوند یارانش را تنها می‌گذارد (پاکی از این نقص) و نیز

بدانند که خداوند بر انجام وعده‌هایش توانا است (موصوف بودن به این کمال) و نیز بندگان به نقص خود در برابر عظمت او اعتراف کنند (طلب مغفرت).

به‌علاوه ممکن است به هنگام پیروزی، واکنشهای نامطلوبی در انسان پیدا شود و گرفتار «غرور و خود برتر بینی» گردد، و یا در برابر دشمن دست به «انتقامجویی و تصفیه حساب شخصی» زند، این سه دستور به او تعلیم می‌دهد که در لحظه حساس پیروزی به یاد صفات جلال و جمال خدا بیفتد، همه چیز را از او بداند، و در مقام استغفار برآید تا هم غرور و غفلت او زایل گردد، و هم از انتقامجویی برکنار ماند.<sup>۱</sup>

دعای پیامبر ﷺ پس از نزول سوره نصر

از «ابن مسعود» نقل شده است که:

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۹۹ و ۴۰۰.

«پیامبر اسلام، پس از نزول این سوره، این دعا را بسیار می خواند: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»<sup>۱</sup> پاک و منزهی تو ای خدا! بار پروردگارا حمد برای توست، بار خدایا! مرا مورد مغفرت خود قرار ده، به درستی که تو بهترین توبه پذیر و مهربانی.»

و از «ام سلمه» نقل شده است که: «پیامبر در اواخر عمر شریفش به هنگام حرکت و توقف و ایستادن و نشستن و برخاستن این دعا را زمزمه می کرد: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَآتُوبُ إِلَيْهِ؛ پاک و منزّه است خدا و به حمدش سزاوار و از خدا طلب آمرزش می کنم و به سوی او باز می گردم.»

راز آن را پرسیدم، فرمود: این نیایش به من دستور داده شده است.

آنگاه این سوره را تلاوت کرد.<sup>۲</sup>

### اولین و آخرین سوره

در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «اولین سوره «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (سوره علق) و آخرین سوره «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» بود که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد.

علامه طباطبایی پس از نقل این روایت، می گوید: شاید منظور روایت این باشد که آخرین سوره ای که به طور کامل نازل شده است، این سوره است.<sup>۳</sup>

خدایا! ما را در زمره یاران راستین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله قرار ده.

۲. همان، ص ۴۶۸ و المیزان، ج ۲۰، ص ۵۳۲.

۳. المیزان، ج ۲۰، ص ۵۳۲ و ۵۳۳.

۱. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۶۷.